

کنفوسیوس‌گرایی و دکترین سیاست خارجی چین

10.30495/pir.2022.1879678.2833

شهرزاد شریعتی^۱، سیده سارا موسوی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

چکیده

بازگشت به کنفوسیوس و توسعه مدارس کنفوسیوسی از سال ۲۰۰۴ در سراسر جهان بیانگر برنامه‌ای هدفمند از سوی جمهوری خلق چین به شمار می‌رود. رهبران چین در دهه ۱۹۸۰ پس از آنکه دریافتند ایدئولوژی کمونیسم دیگر جذابیت چندانی برای حضور قدرتمند چین در عرصه بین‌المللی ندارد، کوشیدند با استفاده از عنوان «کنفوسیوس» مسیر جدیدی را برای دستیابی به آرمان‌های ملت چین بازطراحی کنند. رهبران چین، همچنین در این چارچوب با استفاده از اعتبار تاریخی کنفوسیوس اقدام به توسعه مدارس و مؤسساتی کردند که باهدف ترویج زبان و فرهنگ چینی در سراسر جهان گسترش یافته است. این مقاله ضمن بررسی برنامه‌های دولت چین برای ترویج مدارس کنفوسیوس به روش تحلیل روند، می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که راهبرد کنفوسیوس‌گرایی چگونه در پیشبرد اهداف هژمونیک رهبران چین در جهان ایفای نقش می‌کند؟ مقاله در پاسخ به پرسش مذکور با بررسی چگونگی روند گسترش مؤسسات کنفوسیوسی در جهان این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که «کنفوسیوس‌گرایی (کنفوسیانیسم) از طریق توسعه مدارس و مؤسسات کنفوسیوسی و در چارچوب دکترین خیزش صلح‌آمیز چین، زمینه‌ساز هدف هژمونیک رهبران چین برای استقرار نظم نوین «جهان چینی» بر مبنای قدرت نرم شده است». مقاله نشان می‌دهد که ایجاد این مؤسسات، حرکتی هدفمند از سوی رهبران چین برای ایجاد و سپس تثبیت هژمونی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جهان است. یافته‌های این مقاله در عین حال نشان می‌دهد توسعه این مدارس و مؤسسات طی سال‌های اخیر با واکنش‌های منفی به‌ویژه در کشورهای غربی مواجه شده است و این روند می‌تواند منجر به تضعیف و تهدید چشم‌انداز در حال رشد مؤسسات کنفوسیوسی در جهان شود.

واژگان کلیدی: چین، کنفوسیوس، فرهنگ، مؤسسات کنفوسیوس، قدرت نرم

^۱. دانشیارگروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Shariati@modares.ac.ir

^۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۱- مقدمه

تمدن کنفوسیوسی که برخی نظیر ساموئل هانتینگتون واژه «سینیک» را برای آن مناسب‌تر دانسته‌اند. (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۳۱) شامل کشورهایی است که برخلاف الگوی تمدن غرب، معتقد به الگوی سرمایه‌داری با محوریت دولت است (Kurth, 1994: 5). رهبران چین در دهه آخر قرن بیستم میلادی توجه ویژه‌ای را معطوف به احیای کنفوسیوس کردند تا از این طریق هویتی متمایز را برای مردمان خود پایه‌ریزی کنند. معرفی سال ۱۹۹۹ به‌عنوان دو هزار و پانصد و پنجاهمین سالگرد تولد کنفوسیوس از نخستین اقدامات دولت چین برای بازشناسی کنفوسیوس پس از نیم‌قرن حمله و لعن به وی بود (ثروت، ۱۳۸۰: ۴۷۲). بدین ترتیب دولت چین به تدریج با تأکید بر جایگاه کنفوسیوس کوشید ضمن ایجاد مدارس بین‌المللی با نام وی اندیشه‌های رهبران خود را در قالب این مدارس به‌صورت بین‌المللی به نمایش گذارد. این مؤسسات فرهنگی چین در سال‌های اخیر در تمامی جهان رشد کرده و به‌واسطه جذب دانشجویان بسیار و همچنین سرمایه‌گذاری‌های دولت چین برای حمایت از این مؤسسات موردتوجه بسیاری قرار گرفته است. این مقاله بر مبنای روش توصیف و تحلیل روندها و با استفاده از تحلیل داده‌های آماری و مستند به این پرسش پاسخ می‌دهد که راهبرد کنفوسیوس‌گرایی چگونه در پیشبرد اهداف هژمونیک رهبران چین در جهان ایفای نقش می‌کند؟ مقاله در پاسخ به پرسش مذکور این فرضیه را می‌آزماید که کنفوسیوس‌گرایی (کنفوسیانیسم) از طریق توسعه مدارس و مؤسسات کنفوسیوسی و در چارچوب دکترین خیزش صلح‌آمیز چین، زمینه‌ساز هدف هژمونیک رهبران چین برای استقرار نظم نوین جهانی مطلوب چین بر مبنای قدرت نرم است. برای نیل به این منظور مقاله ضمن بررسی عناصر ذهنی فرهنگ سیاسی چین و پس از مروری کوتاه بر ملاحظات نظری، روند توسعه این مدارس را در سطح جهان موردبررسی و نقش این مدارس را در توسعه دکترین جهان‌چینی نشان می‌دهد.

۲- روش پژوهش

این پژوهش در بخش تحلیلی خود از برخی آموزه‌های کیفی در روش «تحلیل تأثیر روند» بهره خواهد برد. تحلیل تأثیر روند روشی برای پیش‌بینی از طریق کشف ماهیت، علل بروز و پیامدهای بالقوه است. در این روش، روند تحت تأثیر توالی رویدادها قرار می‌گیرد و منظور از رویدادها نیز همان اتفاق‌های مهمی هستند که وقوع آن‌ها در شکل‌گیری آینده می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. بر این اساس، روندها، زنجیره مستمر رویدادها هستند که هم وضعیت کنونی را مشخص می‌کنند، هم از موقعیت‌های احتمالی آینده خبر می‌دهند (Gordon, 1994: 1-2). این روش عمدتاً بر این مفروض واقع است که تغییر، مطابق الگوهای پیشین ادامه خواهد یافت و بررسی کلان‌روندهای جاری می‌تواند روش مناسبی برای کاوش آینده باشد (کورنیش، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

نوآوری این پژوهش در پردازش آخرین آمار و اطلاعات موجود و پایش روند رشد مدارس و مؤسسات کنفوسیوسی در سطح جهان است چرا که باوجود معدود مقالات علمی که به زبان فارسی در این حوزه نوشته شده است (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۷) (سازمند و بایزیدی، ۱۳۹۱) هیچ‌کدام روند گسترش این مؤسسات را موردبررسی دقیق قرار

نداده‌اند و برآورد علمی مشخصی درباره آینده مدارس و مؤسسات کنفوسیوسی ندارند. مقاله در ادامه پس از مروری بر چارچوب نظری خود شواهد تجربی درباره روند رشد مدارس و مؤسسات کنفوسیوسی را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

۳- چارچوب نظری؛ موازنه نرم

نظریه «موازنه نرم»^۱ پس از تغییرات نظام بین‌المللی و هم‌زمان با بازتعریف نظریه رئالیست‌های کلاسیک از روابط قدرت در سطح بین‌المللی مطرح شد. برخلاف نظریات موازنه قدرت که هدف اصلی دولت‌ها را حفظ استقلال خود در نظام بین‌الملل ارزیابی می‌کند (Paul, 2005: 51)، نظریه «موازنه نرم» بر هماهنگی و تمهیدات سایر قدرت‌ها از طریق ائتلاف‌های غیرنظامی برای کنترل هژمونی آمریکا تأکید دارد (Whitaker, 2010: 1110). این نظریه به‌ویژه پس از دکترین «جنگ پیشگیرانه» دولت بوش به‌عنوان جایگزینی برای استراتژی موازنه سخت مطرح شد (Pape, 2005: 37). و رفتارهای سخت‌گیرانه‌تر آمریکا و تغییر استراتژی این کشور برای جلوگیری از ظهور رقیبی جدید، زمینه‌ساز ضرورت کاربست موازنه نرم برای مقابله با قدرت هژمونی آمریکا و محدودسازی نفوذ این کشور شد (Lieber & Alexander, 2005: 125; Paul, 2005: 57-58).

موازنه نرم اگرچه موقعیت برتر هژمون را به رسمیت می‌شناسد اما درعین حال بر این نکته تأکید دارد که کشورها به‌واسطه همکاری با یکدیگر و به‌واسطه ابزارهای نهادی می‌توانند تا حدی سلطه و نفوذ قدرت نظامی هژمون را کنترل کنند یا دست‌کم هزینه‌های نظامی را برای هژمون افزایش دهند و به فرصت‌های برابری دست یابند (Lanteigne, 2012: 59; Paul, 2005: 22). نظریه موازنه نرم، همچنین به علت توجه به ضرورت ایجاد «تعادل»^۲ با قدرت برتر موردتوجه فراوانی قرار گرفته است. به بیان بهتر، این نظریه با ترکیب عناصر نظری «موازنه ساختار قدرت»^۳ و «موازنه تهدید»^۴ در عمل این منطق را پیش می‌برد که کشورها بدون تهدید هژمون باید به متعادل‌سازی رفتارهای وی برای حفظ تعادل در نظام بین‌الملل اقدام کنند (Brooks & Wohlforth, 2005: 76-79). به این ترتیب به نظر می‌رسد موازنه نرم را می‌توان رفتاری عقلانی دانست که در شرایط عدم توافق با قدرت بالاتر و وابستگی اقتصادی برای حفظ امنیت اتخاذ می‌شود و بر توسعه هماهنگی و یکپارچگی سیاسی از طریق ایجاد و اجرای طرح‌های دیپلماتیک برای محدود کردن قدرت هژمون تأکید دارد (McDougall, 2012: 4; He & Feng, 2008: 363); مطابق آنچه گفته شد به نظر می‌رسد تحقق «سوسیالیسم چینی»^۵ و «دکترین خیزش صلح‌آمیز»^۶ در سیاست خارجی چین نیز متضمن پیگیری راهبرد «موازنه نرم» است و به نظر می‌رسد رهبران چین در شرایط کنونی می‌کوشند تا با احیا و صدور هویت صلح‌آمیز

¹ Soft Balancing

² balance

³ structural balance of power theory

⁴ balance of threat theory

⁵ Socialism with Chinese Characteristics (中国特色社会主义)

⁶ China's Peaceful Rise (中国和平崛起)

خود گام‌های مؤثری را برای توسعه بین‌المللی بردارند. به‌ویژه آنکه تعادل قدرت یکی از مفاهیم مهم برای حفظ و نگهداشت از تمامیت ارضی و منابع در اندیشه چین باستان به شمار می‌رود (Zhang, 2001: 49). و ایجاد موازنه نرم و ممانعت از برهم خوردن تعادل مطابق سنت فکری چین واجد اهمیت است. از آنجایی که آموزه‌های عملی مدارس کنفوسیوسی واجد برخی مؤلفه‌های گفتمان ساز برای احیای هویت بین‌المللی چین هستند، بررسی نحوه رشد این مدارس می‌تواند زوایای مهمی از چگونگی صورت‌بندی راهبرد استراتژیک چین در سال‌های آتی باشد؛ این مقاله در ادامه به بررسی عناصر ذهنی دکتین جهان چینی که در توسعه مدارس کنفوسیوسی نقش دارند، خواهد پرداخت.

۴- عناصر ذهنی کنفوسیانیسم در دکتین جهان چینی

تفکر «در مرکز جهان بودن چین»^۱ به مردم این کشور احساس امنیت هستی‌شناختی داده است و مردم این کشور بر این باورند صلح و امنیت جهانی با امنیت داخلی چین ارتباطی ناگسستنی دارد (Jun, 2005: 530). کشور چین با وجود تنوع فرهنگی که ۵۶ نژاد مختلف را شامل می‌شود، دارای وحدت فرهنگی کم‌نظیر است و یکی شدن ظاهر افراد و یکسان شدن واقعی فرهنگ در سرزمین چین که کشوری پهناور و دارای تنوع زیاد آب و هوایی است، به‌منزله جنبه برجسته فرهنگ سیاسی چین به شمار می‌آید (فیتزجرالد، ۱۳۸۴: ۱۴). آن‌چنان‌که قریب به‌اتفاق پژوهشگران مسائل چین معتقدند مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در برونگرایی فرهنگ سیاسی چین را باید مربوط به جهان‌بینی و آموزه‌های مکتب «کنفوسیوس»^۲ دانست. شش کتاب «لی‌جینگ»^۳ یا کتاب آیین (مشمول بر مهم‌ترین قوانین کنفوسیوس)، کتاب «شیه‌جینگ»^۴ یا کتاب شعر، کتاب «شوجینگ»^۵ یا کتاب تاریخ، «یی‌جینگ»^۶ یا کتاب تقدیرات، «یائوجینگ»^۷ یا کتاب موسیقی و سرانجام کتاب «چون‌چیو»^۸ یا سالنامه‌ی بهار و خزان که به روایتی تنها نوشته‌ی کنفوسیوس است، از جمله آثاری است که پیروان مکتب کنفوسیوس آن را موردتوجه قرار می‌دهند و هر یک از کتاب‌های مذکور نیز می‌توانند از آن حیث که احساس سربلندی و وظیفه را به خواننده القا می‌کنند، بیانگر بخش مهمی از ابعاد و آرمان‌های فرهنگ سیاسی چین باشد (چو‌جای و چای، ۱۳۹۶: ۶۵-۷۰).

در رابطه با آرمان‌های بین‌المللی گفتمان کنفوسیوسی باید به بررسی مفهوم دو اصطلاح «دا تونگ»^۹ یا «هماهنگی بزرگ»^{۱۰} و یا «هسائوکانگ»^{۱۱} یا «صلح کوچک»^{۱۲} پرداخت؛ چرا که مطابق باورهای کنفوسیوسی جامعه کمال مطلوب

¹ Chinese World Doctrine

² Confucius

³ Li jing

⁴ Shih jing

⁵ Shu jing

⁶ Yi jing

⁷ Yue jing

⁸ Chun qiu

⁹ Da Tong

¹⁰ Great Harmony or Grand Unity

¹¹ Hsiao-K'ang

¹² Small Peace

جهانی در شرایطی محقق می‌شود که تجربیات حاصل از هماهنگی‌های کوچک که ناگزیر جنگ را در پی خواهد داشت راه را برای هماهنگی هموار سازد. بر این اساس، چگونگی تحقق کمال مطلوب در آموزه‌های کنفوسیوسی، در واقع کلید فهم فرهنگ سیاسی چین از سیاست است، به‌ویژه آنکه از منظر کنفوسیوس، «سیاست» چیزی است که به امور سامان می‌بخشد (Chi-Chao, 2017: 38-41). از این منظر می‌توان به سه قاعده‌ی مهم «لی»^۱، قاعده‌ی «شو»^۲ و قاعده‌ی «رن»^۳ در گفتمان جهانی کنفوسیوسی اشاره کرد. قاعده‌ی «لی» در منظومه فکری کنفوسیوسی پایه اصلاح جامعه به شمار می‌رود و از طریق توجه به «لی» یا همان «مهر برادرانه» نوعی اعتدال اجتماعی حاکمیت می‌یابد (Koller, 1985: 267). گفتمان کنفوسیوسی در ارتباط با فرمانروایان نیز بر این باور است که تقوا و فضیلت پادشاهان مانند باد است و موجب می‌شود تا افراد همانند گیاهان در برابر پادشاهان، مطیع شوند و سر فرو آورند. (Yi, 2003: 31) بدین ترتیب در مرکز باورهای کنفوسیوسی فقط نظمی در جهان پایدار به شمار می‌رود که بتواند بر مبنای قواعد عدالت عمل کند و از زورگویی و اعمال ظالمانه مبری باشد. قاعده‌ی «شو» نیز ناظر بر این معناست که «آنچه به خود تحمیل نمی‌کنی به دیگران هم تحمیل مکن» مطابق گفتمان کنفوسیوسی، انتظام امور و حسن روابط بشری بر مبنای قاعده «شو» و با رعایت مهربانی و لطف در رابطه میان افراد جامعه، محقق می‌شود (Fung, 1997: 43-44). بخش دیگری از گفتمان کنفوسیوسی به اهمیت احترام و دوست داشتن «دیگران» تحت عنوان قاعده رن می‌پردازد و کنفوسیوس تصریح می‌کند؛ رن تا بدان جا اهمیت دارد که بدون آن زندگی بی‌ارزش است (Hopfe & Woodward, 2009: 180-181). از مجموع آنچه گفته شد به نظر می‌رسد استفاده ایزاری از فرهنگ سیاسی کهن چین در قالب آموزه‌های کنفوسیوس طی سال‌های اخیر نقش قابل توجهی را در صورت‌بندی اهداف سیاست خارجی این کشور ایفا کرده است. مروری بر مواضع رهبران چین نیز نشان‌دهنده این نکته است که آنان به‌تازگی همواره از سخنان حکمت‌آمیز کنفوسیوس برای استحکام پیام‌های خود بهره می‌گیرند.

۵- مدارس کنفوسیوس به‌مثابه قدرت نرم چین در قرن ۲۱

قدرت نرم، توانایی دستیابی به اهداف از طریق ایجاد جاذبه در طرف مقابل است (Winkler & Nye, 2010: 9). از این منظر قدرت نرم در پیوند با قدرت سخت، می‌تواند زمینه خلق یک هژمونی جدید را فراهم کند و آن‌چنان‌که «ژو ماجی»^۴، پژوهشگر مؤسسه مطالعات بین‌الملل شانگهای، استدلال می‌کند دلیل سقوط شوروی در رقابت با آمریکا، «شکست در رقابت برای کسب قدرت نرم» بوده است (Wuthnow, 2008: 7). از سوی دیگر، درگیری‌های متعدد آمریکا در خاورمیانه و ناکامی‌های اخیر این کشور به‌عنوان هژمون جهانی را می‌توان فرصتی استثنایی برای چین

¹ Li

² Shu

³ Ren

⁴ Zhu Majie

دانست تا بتواند با مؤلفه‌های فرهنگی خود نظم تک‌قطبی موجود را به کمک سایر قدرت‌های ناراضی چون روسیه، هند و برزیل مورد چالش قرار دهد. در این مسیر سیاست خارجی چین در مسیر بلوغ خود از درون‌گرایی به برون‌گرایی روی آورده و حزب حاکم در این مسیر برای حفظ و افزایش قدرت خود در داخل و معرفی چهره‌ای یکپارچه در خارج، قدرت نرم را در قالب سوسیالیسم چینی و دکترین خیزش صلح‌آمیز در دستور کار قرار داده است؛ در این چارچوب قدرت نرم چین طی دو دهه گذشته بر فرهنگ‌سازی و آشنایی سایر کشورها با فرهنگ این کشور تأکید دارد و حتی در سطحی وسیع‌تر می‌توان ادعا کرد چین در پی جایگزینی فرهنگ سوسیالیستی با ویژگی‌های چینی به جای فرهنگ غربی است (Glaser & Murphy, 2009: 11). یکی از راهکارهای دولت چین برای بسط فرهنگ خود در سطح بین‌المللی بدون ایجاد تنش و مقابله مستقیم با هژمون، تأسیس مدارس با عنوان مدارس کنفوسیوسی برای آموزش زبان و فرهنگ چین در سطح جامعه بین‌المللی است. از منظر فلسفه سیاسی نیز در شرایطی که «دموکراسی» در تحقق کمال انسان، ناکام مانده است این امکان وجود دارد که اندیشه کنفوسیوسی با تأکید بر نوعی «کمال‌گرایی متوسط» و مفاهیمی چون انسانیت، عدالت، تناسب، فرزاندگی و وفاداری بتواند جایگزینی مناسب برای دموکراسی برای انسان مدرن باشد (Angel, 2012: 141). بدین ترتیب رهبران چین که پس از دوره مائو به این نتیجه رسیده بودند که کمونیسم جذباتی برای پذیرش رهبری چین توسط سایر کشورها ندارد کوشیدند از کنفوسیوس به‌عنوان نمادی از جامعه چین که می‌تواند تصویر بهتری از این کشور به جهانیان معرفی کند، بهره‌برداری کنند. بررسی دو برنامه ملی پیش از آغاز برنامه تأسیس مدارس کنفوسیوسی در چین می‌تواند دید عمیق‌تری را درباره هدف از تأسیس این مدارس مشخص سازد. اعلام میثاق «زبان قدرتمند یک ملت و ملتی با زبان قوی»^۱ در جولای ۲۰۰۴ و انتشار اعلامیه فرهنگی «جیا شن»^۲ در سپتامبر ۲۰۰۴ که از سوی نخبگان فرهنگی چینی امضا و منتشر شد را می‌توان در راستای تلاش برای هویت‌سازی نوین چین مورد توجه قرارداد (Liu, 2016: 779).

بر اساس این دو برنامه ملی برای نخستین این استدلال مطرح شد که کشور قدرتمند باید زبان قدرتمندی داشته باشد و زبان چینی باید این آمادگی را داشته باشد تا زمانی که اقتصاد چین، جهانی شد، بتواند نقشی فعال را در عرصه بین‌المللی بر عهده بگیرد (Liu, 2016: 785-786). در این چارچوب، ابتکار مؤسسات کنفوسیوسی، طرحی است که نخبگان سیاسی چینی از بالا به پایین برای افزایش قدرت دیپلماسی این کشور طراحی کرده‌اند و مقامات رسمی چین از رهگذر این مدارس در پی اشاعه این دیدگاه هستند که چین در قالب نظم بین‌المللی موجود و بدون هیچ‌گونه تلاش برای مقابله با این نظم باید در پی کنشگری بیشتر برای تثبیت جایگاه ویژه‌ای برای خود باشد (Beeson & Li, 2016: 493).

¹ language of a powerful nation and a nation with a powerful language

² Jia-shen Cultural Declaration

بر این اساس، مدارس کنفوسیوسی را می‌توان ذیل این دیپلماسی عمومی، به‌عنوان تصویری موردقبول و مهندسی شده توسط دولت چین و در پیوند با سایر استراتژی‌های این کشور برای تغییر خاموش نظم موجود در سیستم بین‌المللی و توجیه رشد سریع چین به‌طور هم‌زمان در نظر گرفت (Guo, 2008: 44).

بر این اساس ضروری است که دولت چین بتواند جذابیت‌های سبک زندگی متفاوت جامعه و فرهنگ خود را توجیه کند و مردم جهان را متقاعد سازد که می‌توانند بدون دردسر در جامعه‌ای با محوریت چین، زندگی کنند (Ren, 2012: 21). البته برخلاف آمریکا که ابتدا قدرت سخت و نظامی و سپس قدرت نرم خود را تقویت کرده، چین باید هم‌زمان قدرت نرم و سخت خود را افزایش دهد تا بتواند چهره مطلوبی از خود در عرصه بین‌المللی به نمایش گذارد (Li, 2009: 32). و مهم‌ترین استراتژی چین نیز آشنا کردن مردم جهان با فرهنگ خود است (Zhang, 2010: 393) و مؤسسات کنفوسیوسی نیز نقش مهمی در تغییر دیدگاه‌های مردم جهان نسبت به چین می‌توانند ایفا کنند (Callahan, 2015: 222). انتخاب عنوان «کنفوسیوس» برای این مدارس را می‌توان ترفندی زیرکانه توسط دولت چین دانست که پس از فروپاشی ایدئولوژی سوسیالیسم همواره سعی داشت تناقض‌های فکری حزب حاکم را برای گذار به اقتصاد بازار آزاد به نحوی پوشش دهد. (Zhang, 2010: 394-395) به‌این‌ترتیب ایجاد مؤسسات کنفوسیوسی را می‌توان تلاشی در راستای هماهنگی با الزامات جهان بیرونی نیز شناسایی کرد. (Nordin, 2016: 44) هرچند که دولت چین از دهه ۱۹۷۰ میلادی در پی بازیابی دوباره قدرت فرهنگی خود برخاسته و استراتژی‌های متفاوتی را در پیش‌گرفته است (Ding & Saunders, 2006: 26-27) اما رهبران نسل چهارم و پنجم این کشور به‌طور اختصاصی تأکید بر فرهنگ و افزایش قدرت نرم چین در سطح بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داده‌اند (Glaser & Murphy, 2009: 13) به‌عنوان مثال «هو جین تائو» رئیس‌جمهور وقت چین در سال ۲۰۰۳، یک سال پیش از آغاز به کار رسمی مدارس کنفوسیوسی، طی یک سخنرانی، فرهنگ چینی را متعلق به کل جهان دانست. (Jintao, The Sydney Morning Herald: 2003) همچنین «لیو یون شان»^۱ وزیر تبلیغات چین نیز در سال ۲۰۱۰ بر نقش مؤسسات کنفوسیوسی در خارج از کشور برای بسط قدرت نرم چین تأکید فراوانی کرد. (Sahlins, Inside Higher ED: 2018) بدین ترتیب، استفاده از این مؤسسات به‌عنوان عنصری بسیار مهم در برنامه بزرگ چین در تبلیغات بین‌المللی (Changchun, Xinhua Net: 2007). و همچنین شاخصی مهم برای آموزش بین‌المللی زبان چینی و قالبی مشخص برای تبادلات فرهنگی-آموزشی شناخته می‌شود که دولت چین با ایجاد شبکه‌ای ارتباطی برای اتصال به دانشگاه‌های سراسر جهان از آن بهره‌برداری می‌کند. (Pan, 2013: 25; Hartig, 2012: 57). مؤسسات کنفوسیوسی که با کمک مستقیم دولت چین تأسیس می‌شوند، همچنین این امکان را برای رهبران پکن فراهم می‌کنند تا با آموزش فرهنگ و زبان چینی حجم سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی را در چین که به‌واسطه آشنا نبودن خارجی‌ها با زبان و فرهنگ چینی آن‌گونه که باید چشمگیر نبوده است، بیش از گذشته افزایش دهند. نکته جالب‌توجه

¹ Liu Yunshan

اینکه دولت چین در این چارچوب از اواخر قرن بیستم معلمانی را برای آموزش زبان چینی به سایر کشورها فرستاده است اما توسعه فرهنگ چینی به شکل هدفمند و در وسعت جهانی با پروژه مدارس کنفوسیوسی از سال ۲۰۰۴ در این کشور آغاز شده است. این پروژه با هدف ترویج هرچه بیشتر فرهنگ چینی در سراسر جهان و خلق جهانی هماهنگ^۱ آن‌گونه که مورد پذیرش دولت چین باشد و بیشترین منافع این کشور را تأمین سازد، آغاز به کار کرده است (Tan, 2016: 3-4) مقاله در ادامه به بررسی سابقه و نحوه عملکرد این مدارس می‌پردازد.

۶- پیشینه و چگونگی عملکرد مؤسسات کنفوسیوسی در قرن ۲۱

آن‌چنان‌که اشاره شد، ابتکار ایجاد مؤسسات کنفوسیوسی در بستر جامعه چین بهتر قابل درک است؛ نخبگان چینی پس از رشد سریع اقتصادی این کشور در پی تعریف هویتی جدید برای خود برآمده‌اند و مؤسسات کنفوسیوسی نیز بخشی از این نگرش جدید است (Liu, 2016: 782). بر این اساس، مؤسسات کنفوسیوسی تنها مراکز فرهنگی نیستند بلکه این مدارس را باید در قالب خیزش کشور چین دانست که در کمتر از دو دهه توانسته است در دوسوم جهان پایگاه‌هایی تأسیس کرده و سایه دولت چین را در دانشگاه‌های سراسر جهان گسترش دهد (Pong & Feng, Financial Times: 2017) هرچند هدف از مدارس کنفوسیوسی آموزش زبان چینی و آشنایی سایر کشورها با فرهنگ چینی بیان می‌شود اما در واقع به نظر می‌رسد چین از طریق این مدارس می‌کوشد ضمن افزایش قدرت نرم خود، تصویر بین‌المللی و رهبری اخلاقی ایالات متحده آمریکا را در سطح جهان تضعیف کند (Lai & Lu, 2012: 197). در این راستا، مؤسسات کنفوسیوسی ساختارهای ایدئولوژیکی به شمار می‌روند که سیاست‌های رسمی دولت چین را منعکس و بازتولید می‌کنند (Stambach, 2015: 68).

سابقه بسط فرهنگ و زبان چینی در خارج از کشور به سال ۱۹۵۱ می‌رسد که دولت چین معلمان خود را برای آموزش زبان چینی به بلغارستان و کره شمالی می‌فرستاد (Zhao & Huang, 2010: 130). در سال ۱۹۸۷ با تأسیس دفتری برای آموزش زبان چینی^۲ که بعدها به‌عنوان «شورای بین‌المللی زبان چینی» موسوم به «هان‌بان»^۳ تغییر یافت، ترویج زبان و فرهنگ چینی در سایر کشورها به شکل منسجم‌تر و اما در وسعت محدود استمرار یافت. این موسسه در سال ۲۰۰۴، پروژه تأسیس مدارس کنفوسیوسی را در راستای بسط و تعمیق فرهنگ چینی در سراسر جهان و در سایه حمایت دولت چین آغاز کرد. فعالیت‌هایی چون تربیت معلمان برای آموزش زبان چینی، تهیه و توسعه مواد آموزشی، ساخت برنامه‌های صوتی و تصویری، افزایش شبکه‌های تلویزیونی، سایت‌های اینترنتی، رادیویی و... را بر عهده دارد (Pan, 2013: 25).

همچنین دستاوردهایی همچون بهبود چهره بین‌المللی چین، تقویت مبادلات فرهنگی بین‌المللی، افزایش تعداد توریست‌ها، توزیع جهانی محصولات فرهنگی این کشور و... را می‌توان از دیگر اهداف پنهان در توسعه مدارس

¹ harmonious world

² China National Office for Teaching Chinese as a Foreign Language (NOTCFL)

³ Office of Chinese Language Council International (Hanyu Guoji Tuiguang Lingdao Xiaozu Bangongshi)

کنفوسیوس دانست. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد با فرض جایگزینی چین به‌جای ایالات‌متحده آمریکا، حتی این امکان وجود دارد که زبان چینی در اواخر قرن ۲۱ جایگزین زبان انگلیسی در سطح بین‌المللی شود (Ding & Saunders, 2006: 26-27).

هرچند نحوه خلق دقیق ایده تأسیس مؤسسات کنفوسیوسی به شکل امروزی مبهم است اما به نظر می‌رسد ایده اولیه تشکیل این مؤسسات، توسط موسسه «هان‌بان» و وزارت آموزش و پرورش چین و در راستای آموزش زبان و فرهنگ چینی به سایر کشورها در سال ۲۰۰۴ شکل گرفته است. طبق گفته منابع آلمانی اما ایده اولیه خلق این مؤسسات توسط «لو کیوتیان»^۱ رئیس اسبق «مؤسسه امور خارجی جمهوری خلق چین»^۲ که در فاصله سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ سفیر چین در آلمان بود برای اولین بار طرح شده است (Hartig, 2015: 99). همچنین تجربه موفق کشورهای چینی، فرانسه و آلمان در ترویج فرهنگ و ساخت تصویری مثبت از خود در عرصه جهانی از طریق توسعه مؤسسات فرهنگی در سایر کشورها نیز یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری این مؤسسات اعلام شده است. لازم به ذکر است برخلاف مؤسسات فرهنگی سایر کشورها که در هیچ دانشگاه و یا دانشکده‌ای در کشورهای مقصد تأسیس نمی‌شوند و تنها تحت حمایت سفارت‌خانه‌های دیپلماتیک کشورشان فعالیت می‌کنند، مؤسسات کنفوسیوسی همواره با کمک‌های رسمی دولت چین و در پیوند با یک دانشگاه و یا دانشکده در کشور مقصد تأسیس می‌شوند و یک دانشگاه در داخل چین نیز به‌عنوان همکار برای کمک و حمایت در زمینه حفظ و ترویج آموزش زبان چینی و برنامه آموزش فرهنگ چینی، پیش‌بینی شده است (Tan, 2016: 2). دفتر هان‌بان در پکن قرار دارد و تمامی فعالیت‌های مؤسسات کنفوسیوسی از طریق شورای مرکزی آن مشخص می‌شود. این شورا شامل یک رئیس، ۱۵ عضو اصلی^۳ و ۱۲ نفر عضو اجرایی^۴ است. مدت خدمت اعضای این شورا نیز ۲ سال است که می‌توانند برای یک دوره تمدید شوند.

طبق اساسنامه و مقررات مؤسسات کنفوسیوس که توسط موسسه هان‌بان منتشر شده است، اهداف و نحوه کارکرد این مؤسسات تا حدی مشخص شده است. به‌عنوان مثال در بند اول این اساسنامه، تصریح شده است: «مؤسسات کنفوسیوس در سراسر جهان خود را وقف مردمی خواهند کرد که می‌خواهند زبان چینی را فراگیرند» همچنین در این اساسنامه، مؤسسات کنفوسیوس، مؤسساتی غیرانتفاعی توصیف شده‌اند که ضمن وفاداری به اصول مذاکرات دوستانه و منافع متقابل در پی افزایش همکاری‌های بین‌المللی از طریق تسهیل توسعه آموزش زبان چینی در خارج از مرزهای چین هستند. بند دوم اساسنامه مذکور نیز ضمن تأکید بر لزوم تسهیل صدور مجوز برای تأسیس مدارس کنفوسیوس در خارج از چین، انواع خدمات ارائه شده توسط این مؤسسات را آموزش زبان چینی، تربیت مربی برای زبان‌آموزان چینی، ارائه منابع آموزشی زبان چینی، برگزاری آزمون مهارت‌های چینی^۵ و صدور گواهینامه زبان چینی برای زبان‌آموزان، همچنین

¹ Lu Qiutian

² Chinese People's Institute of Foreign Affairs

³ Council Members

⁴ Executive Council Members

⁵ Chinese Proficiency Test

ارائه خدمات مشاوره در باب آموزش فرهنگ چینی به اتباع سایر کشورها عنوان کرده است. (Hanban Institutes, 2014) از جمله مواردی که در سند مذکور اشاره‌ای به آن نشده است این است که هانبان برای مؤسسات تازه تأسیس در خارج از کشور، تسهیلاتی چون حمایت مالی، آموزش مربیان و پرداخت حقوق آنان را ارائه می‌دهد (Zhao & Huang, 2010: 132) و سالانه بیش از صد هزار دلار برای تولید مفاد آموزشی و کتب درسی این مؤسسات هزینه می‌کند و حتی گاهی تمامی هزینه‌ای این مؤسسات تا به‌تنهایی تأمین می‌کند (Peterson, 2017: 15) و این در حالی است که طبق اساسنامه منتشره از سوی این مؤسسه، تمامی هزینه‌ها باید از جانب کشور مقصد و مؤسسه هانبان به شکل اشتراکی تأمین گردد. نکته قابل توجه دیگر آنکه بر اساس ضوابط هانبان، مدارس کنفوسیوسی در سراسر جهان به‌هیچ‌عنوان نباید قوانین و مقررات داخلی چین را نقض و برخلاف سیاست‌های رسمی دولت چین در مناقشات بین‌المللی رفتار کنند (Paradise, 2009: 659). این در حالی است که بر اساس توضیحات هانبان بر روی سایت خود و همچنین در اساسنامه ذکر شده، این مؤسسه سازمانی غیرانتفاعی و نه یک ارگان دولتی برای دفاع از مواضع سیاسی-فرهنگی حزب حاکم در چین عنوان شده است. ضمن اینکه محرمانه بودن بخش عظیمی از توافق‌نامه‌های تأسیس مؤسسات کنفوسیوسی در سایر کشورها و همچنین استفاده از زبان چینی در عقد قراردادها تاکنون واکنش‌هایی را به همراه داشته است (Bair, 2019: 6-10). بدین ترتیب محرز است که اگرچه مؤسسات کنفوسیوسی توسط «هانبان» که مؤسسه‌ای (به‌ظاهر) غیرانتفاعی است اداره می‌شوند (Shangwu & et al., China Daily: 2013) و حوزه اختیارات این نهاد شامل آموزش زبان و فرهنگ چینی به مردم سایر کشورها، گسترش تبادلات فرهنگی و... است اما در واقع این مؤسسات بخشی از دیپلماسی عمومی چین بوده و در حوزه اهداف عمل‌گرایانه دیپلماسی عمومی چین جای می‌گیرد (Hartig, 2015: 2). طبق آمارهای موجود مؤسسات کنفوسیوسی در سال ۲۰۱۹ حدود ۵۴۸ دانشگاه و ۱۹۳ مدرسه را در ۱۵۴ کشور جهان، برای آموزش زبان چینی در اختیار خود دارند و به نظر می‌رسد چین با میلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری در این بخش و آموزش بیش از ۴۶,۲۰۰ معلم در حال خلق انقلابی کنفوسیوسی در سراسر جهان است (Rogers, Hong Kong Free Press: 2019). جدول ذیل نمایه‌ای آماری از روند توسعه این مدارس و مؤسسات کنفوسیوسی را در جهان تا سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: نمایه آماری تعداد مدارس کنفوسیوسی در سراسر جهان

تعداد کشورهای دارای مؤسسات کنفوسیوسی	۱۵۴
تعداد مؤسسات کنفوسیوسی	۵۴۸
تعداد کلاس‌های مدارس کنفوسیوسی در سطح دبستان و دبیرستان	۱۱۹۳
تعداد فضاهای آموزشی مؤسسات کنفوسیوسی در سایر کشورها	۵۶۶۵
تعداد آموزگاران و مربیان تمام‌وقت و پاره‌وقت در مؤسسات کنفوسیوسی	۴۷۰۰۰
تعداد ثبت‌نام‌های حضوری	۱۸۶۰۰۰۰
تعداد ثبت‌نام در دوره‌های مجازی	۸۱۰۰۰۰

Source: www.chinadaily.com.cn/a/201812/05/WS5c07239da310eff30328f182.html

نمودار زیر نیز رشد تعداد مؤسسات و مدارس کنفوسیوسی را به تفکیک سال نشان می‌دهد:

نمودار شماره ۱: رشد تجمیعی مدارس و مؤسسات کنفوسیوسی جهان (۲۰۱۸-۲۰۱۳)



Source: http://english.hanban.org/node_10971.htm

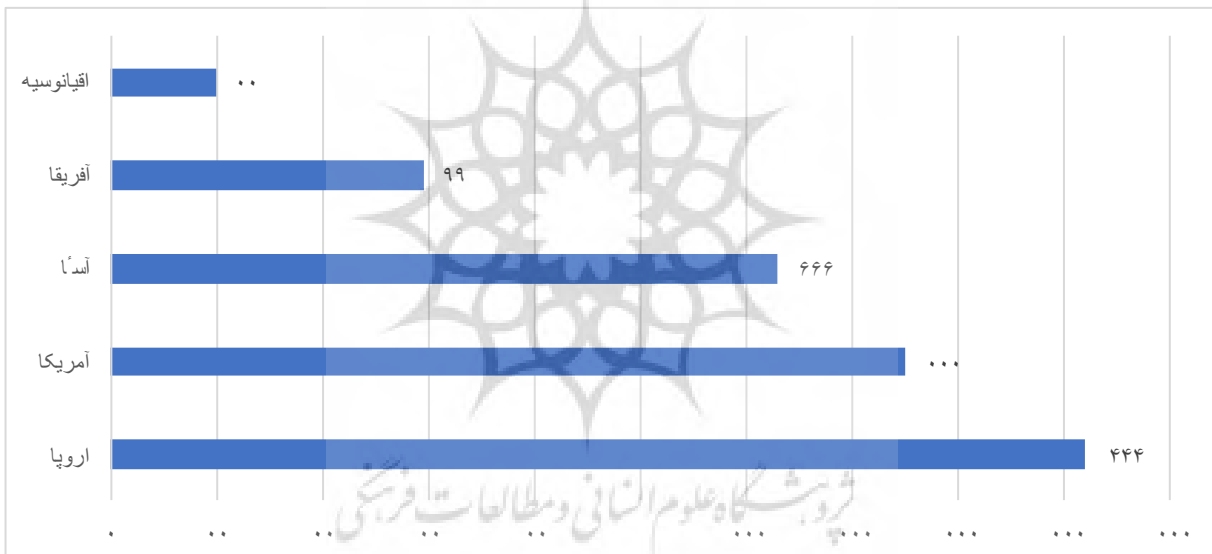
مؤسسات کنفوسیوسی افزون بر آموزش زبان چینی، آشنایی مردم سایر کشورها با فرهنگ چینی را از طریق برگزاری آیین‌ها و جشن‌های مختلف پیگیری می‌کنند و مطابق برآوردهای موجود، هر موسسه به‌صورت میانگین در سال حدود ۱۸ رویداد فرهنگی را برگزار می‌کند (Hartig, 2015: 179). ترویج طب چینی، ورزش‌های رزمی، خوش‌نویسی و نقاشی چینی، موسیقی، رقص و غذاهای چینی نیز از دیگر برنامه‌های این مؤسسات است (Pan, 2013: 28-29). تلاش مؤسسات کنفوسیوسی برای بازتعریف هویت «چینی» در قرن ۲۱ در برابر هویت «غربی» (Lueck& et al., 2014: 345) و رشد سریع این مؤسسات و هزینه‌های هنگفت دولت چین برای گسترش آن‌ها، توجه زیادی را به‌ویژه در ایالات‌متحده برای فهم اهداف پشت پرده حاصل از این اقدامات معطوف کرده است (Park, 2013: 2). بنا به گزارش روزنامه لس‌آنجلس تایمز، نتایج یک بررسی نشان داده است که دولت چین از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۹ حدود ۱۵۸,۴۲۹,۸۶۶ میلیون دلار تنها برای تأسیس بیش از ۱۰۰ موسسه کنفوسیوسی در کشور آمریکا هزینه کرده است و این میزان هر ساله در حال افزایش است (Lee, Los Angeles Times: 2019; Portman& et al., 2018: 71). این موضوع موجب شده است که ایالات‌متحده آمریکا از سال ۲۰۱۸ محدودیت‌هایی را برای نحوه فعالیت این مؤسسات در نظر گیرد. حساسیت نسبت به فعالیت مؤسسات کنفوسیوسی به‌ویژه پس‌از آن افزایش یافت که یکی از سایت‌های وابسته به موسسه هانبان در محتوای آموزشی ارائه‌شده برای کودکان آمریکایی، جنگ «کره» را به‌عنوان جنگی برای مقابله با تجاوز آمریکا و کمک به کره توصیف و از سربازان چینی به‌عنوان قهرمان یاد کرد (Hughes, 2014: 70). این حساسیت در برابر مؤسسات کنفوسیوسی محدود به کشور آمریکا نمی‌شود. کمیسیون حقوق بشر حزب محافظه کار بریتانیا نیز در سال ۲۰۱۹ گزارشی را مبنی بر تقابل برخی فعالیت‌های این مؤسسات با دموکراسی و آزادی بیان ارائه داد و خواستار نظارت هرچه بیشتر و محدود کردن گسترش این مؤسسات شد (Rogers, International La Croix: 2019). این واکنش‌ها در حالی است که تقریباً تمام مؤسسات کنفوسیوسی اعلام کرده‌اند که مواد و شیوه آموزشی خود را بر اساس درخواست دانشگاه‌های مقصد انتخاب کرده و هیچ‌گونه اجباری از جانب موسسه هانبان در

این چارچوب وجود ندارد (Liu, 2017: 68). همچنین هرچند موسسه هانبان در گزارش سالانه خود در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ اطلاعات دقیقی از میزان هزینه سالانه خود منتشر نساخته است اما میزان این هزینه با رشد میانگین بالای ده درصد از سال ۲۰۱۰، روندی صعودی داشته است (Portman & et al., 2018: 77).

در حال حاضر آمریکا و انگلیس، مقام اول و دوم را در پذیرش فعالیت مدارس و مؤسسات کنفوسیوسی به خود اختصاص داده‌اند. ضمن آنکه طبق آمار موسسه هانبان، دو موسسه کنفوسیوسی نیز زیر نظر دانشگاه تهران در ایران دایر است که از سال ۲۰۰۹ فعالیت خود را آغاز کرده‌اند (Hanban Institutes, 2009). مطابق گزارش تارنمای معاونت بین‌الملل دانشگاه تهران نیز تاکنون نشست‌های مشترک متعددی بین هیئت‌مدیره موسسه کنفوسیوس دانشگاه تهران و دانشگاه یونان برای برگزاری دوره‌های مشترک تحصیلی و تدوین و امضا سند علاقه‌مندی به ایجاد مرکز تحقیقاتی مشترک یک کمربند یک‌راه برگزار شده است.

نمودار ذیل نیز تعداد مؤسسات کنفوسیوسی را به تفکیک قاره‌های جهان نشان می‌دهد:

نمودار شماره ۲: فراوانی مؤسسات کنفوسیوسی به تفکیک قاره‌های جهان در سال ۲۰۱۹

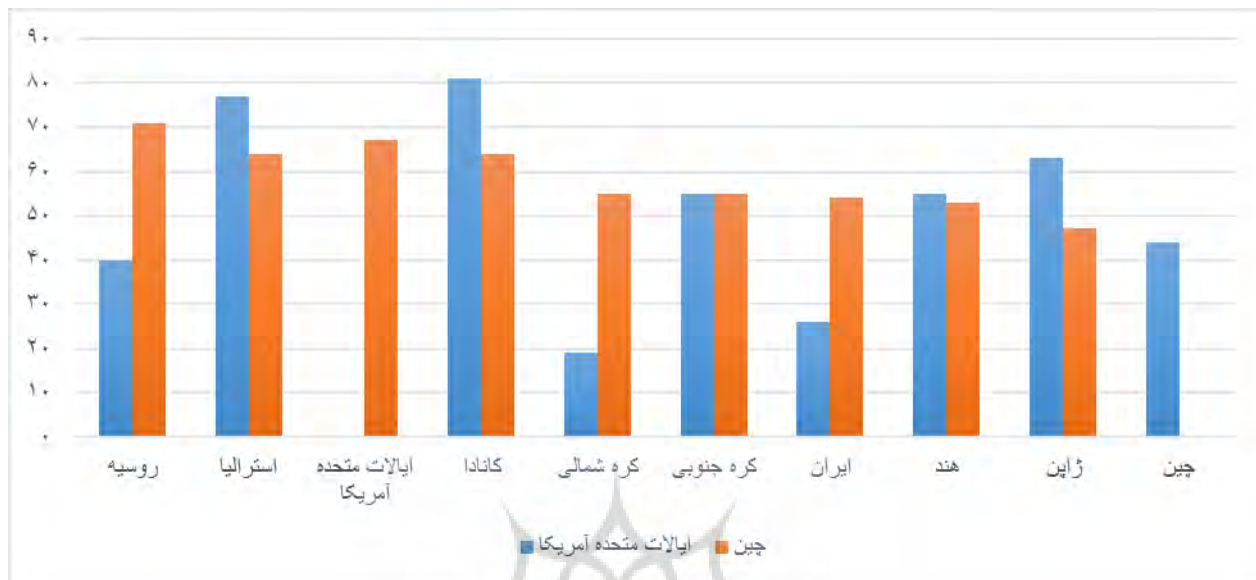


Source: http://english.hanban.org/node_10971.htm

با اینکه مدارس کنفوسیوسی تنها از سال ۲۰۰۴ شروع به فعالیت کرده‌اند تا ابتدای سال ۲۰۱۹، بیش از ۷ میلیون نفر از طریق این مدارس با زبان و فرهنگ چینی آشنا شده‌اند. این مدارس در سال ۲۰۱۸ حدود ۲٫۱ میلیون نفر دانش‌آموز مشغول به تحصیل داشته‌اند. تحقیقات تا سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد مؤسسات کنفوسیوسی به واسطه آشنا کردن هرچه بیشتر مردم سایر کشورها با فرهنگ چین، تمایزات فرهنگی خود را مشخصاً با کشورهای غربی کمتر کرده و به همین واسطه به جذب گردشگر بیشتر و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم در این کشور کمک کرده است (Lien & et al., 2017: 3682).

چین به‌ویژه در دیپلماسی عمومی که بخش مهمی از آن مرهون مدارس کنفوسیوسی بوده عملکرد مثبتی دارد. نمودار ذیل میزان علاقه مردم کشورهای مختلف نسبت به آمریکا و چین را در سال ۲۰۱۶ مقایسه می‌کند:

نمودار شماره ۳: میزان محبوبیت چین و آمریکا در افکار عمومی کشورها



Source: <https://www.thechicagocouncil.org/publication/views-g2-public-opinion-us-china>

در همین حال، با وجود پیشرفت‌های چین در دستیابی به اهداف خود، برخی گزارش‌ها نیز از اوایل سال ۲۰۱۹ حاکی از بسته شدن مؤسسات کنفوسیوس به‌ویژه در ایالات متحده است (Redden, Inside Higher ED: 2019)؛ که به نظر می‌رسد ایجاد این محدودیت‌ها به‌واسطه افزایش نگرانی‌های جدی درباره ضریب نفوذ این مؤسسات در جوامع غربی است. افزون بر این به نظر می‌رسد روند رو به گسترش اختلافات چین و آمریکا در موضوعات تجاری، قطعاً ملاحظات فرهنگی را نیز تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد. مطابق گزارش‌ها تعداد مؤسسات کنفوسیوسی که تا سال ۲۰۲۰ فقط در آمریکا لغو مجوز شده‌اند به بیش از ۴۰ موسسه رسیده است (Peterson, 2020:1). مرکز پژوهش‌های مجلس سنای آمریکا نیز طی گزارشی، موسسه‌های مذکور را به ترویج دیدگاه‌های حزب کمونیست چین متهم کرده و خواستار تغییر یا تعطیلی این موسسه‌ها شده است. در این گزارش به نگرانی جدی پلیس فدرال آمریکا (اف.بی.آی) از فعالیت‌های این موسسه‌ها اشاره و تأکید شده است که وزارت امور خارجه آمریکا موسسه‌های کنفوسیوس را «مهم‌ترین عرصه قدرت نرم» چین می‌داند. این گزارش همچنین تصریح کرده است که دولت چین ۱۵۸ میلیون دلار برای توسعه این مدارس در آمریکا هزینه کرده است (Zengerle, 2019:1).

۷- نتیجه‌گیری

ظهور چین به‌عنوان یک قدرت جهانی مستلزم افزایش توأمان قدرت سخت و نرم این کشور است. چین در راستای افزایش قدرت نفوذ و اثربخشی خود در کشورهای جهان سوم، راهبرد «جهان هماهنگ»^۱ را برای اولین بار در سالگرد ۵۰ سالگی اجلاس باندونگ مطرح کرد. با این وجود اثرگذاری فرهنگی چین در جهان تاکنون به‌مراتب کمتر از کشورهای انگلیسی‌زبان بوده است و ادغام نسبی فرهنگ چین با فرهنگ غربی به‌ویژه طی سه دهه گذشته، مجال چندانی را برای توسعه نفوذ فرهنگی و قدرت نرم چین باقی نگذاشته است. آن‌گونه که این مقاله نشان داد راهبرد بازگشت به کنفوسیوس برگ برنده رهبران چین برای ایجاد گفتمانی فراگیر برای نفوذ فرهنگی در سطح نظام بین‌الملل است و چین با تأسیس مدارس کنفوسیوسی در سراسر جهان می‌کوشد تا چهره‌ای صلح‌دوست از این کشور را به جهانیان نشان بدهد. از آنجایی که آموزش زبان، نقش تأثیرگذاری در توسعه فرهنگ دارد و آشنایی با ساختار زبانی بر نحوه دید افراد تأثیر می‌گذارد و با وجود پیچیدگی‌های زبان چینی، گسترش مدارس کنفوسیوسی گامی مؤثر برای امکان اثرگذاری فرهنگی چین در جهان بیرون از خود است. در این راستا هرچند کشور چین منابع فرهنگی بسیار غنی دارد اما با وجود تمام دستاوردها به نظر می‌رسد این کشور همچنان در حوزه توسعه فرهنگی ضعیف است و به‌عنوان مثال اگرچه می‌توان کالاهای صنعتی ساخت کشور چین را در همه جای دنیا مشاهده کرد اما انتشار روزنامه، کتاب و فیلم چینی به دلایل مختلف و از جمله پیچیدگی زبان چینی در جهان با محدودیت‌های زیادی مواجه است و مورد استقبال زیادی نیز قرار نمی‌گیرد. در چنین شرایطی مؤسسات کنفوسیوسی در عمل می‌توانند چین را نه به‌عنوان یک «دیگری» خارجی بلکه به‌عنوان یک «ما» و موجودیت قابل‌پذیرش در کنار فرهنگ غربی مطرح کنند. ایجاد ارتباط عمیق و نقش‌ظرفی که میان زبان‌آموزان چینی با فرهنگ این کشور در مؤسسات کنفوسیوسی برقرار می‌شود به حدی بوده است که مطابق نتایج یک پژوهش افرادی که در مؤسسات کنفوسیوسی تحصیل کرده‌اند دولت چین را به‌مراتب کمتر از سایر دانشجویان، اقتدارگرا و سرکوبگر دانسته‌اند.

استفاده مؤسسات کنفوسیوسی از دانشگاه به‌عنوان نهادهای مستقل و پیشگام در عرصه دیپلماسی فرهنگی نقش اثربخشی‌برافزایش همکاری‌های برد-برد، تبادلات اطلاعاتی، ارزشی، فرهنگی، اعتقادی و علمی بدون ایجاد حساسیت و تنش داشته است و توسعه مؤسسات کنفوسیوسی از سوی چین حرکتی به سمت دیالوگ و ایجاد شکلی جدید از همکاری‌های متقابل برای رسیدن به اهداف «مشخص»، از طریق ایجاد حس اعتماد و احترام متقابل در راستای دیپلماسی عمومی به شمار می‌رود. مؤسسات کنفوسیوسی می‌کوشند نشان دهند که در عین وجود تفاوت‌ها و در راستای احترام به عقاید متفاوت می‌توان زمینه‌ای مشترک برای همکاری و در نتیجه دستیابی به روابط پایدارتر برای خلق دانش و بینش یافت. تأثیر مدارس کنفوسیوسی بر صنعت گردشگری چین نیز از دیگر مؤلفه‌هایی است که امروزه به توسعه قدرت و

¹ harmonious world

جایگاه چین در دنیای مدرن کمک شایانی کرده است به نحوی که مطابق آمارهای موجود آشنایی مردم کشورها با زبان و فرهنگ چینی از طریق این مؤسسات منجر به افزایش سفر به چین چه در قالب تحصیلات، چه تجارت و چه گردشگری شده است. در همین حال، رهبران چین نیز با تأکید بر مفاهیمی در اندیشه کنفوسیوس که قرابت معنایی با مفاهیم پذیرفته‌شده در فرهنگ غربی دارد، سعی در برقراری ارتباط و ایجاد باورپذیری بیشتر فرهنگ خود توسط جامعه غربی دارند و در این میان با استفاده از آموزه‌های انسانی کنفوسیوس که به بخش‌هایی از آن در این مقاله اشاره شد، می‌کوشند ارتباط فرهنگی خود را با عقلانیت تمدن غربی افزایش دهند. رهبران چین همچنین با استفاده از آموزه‌های کنفوسیوس می‌کوشند تا به حل ذهنی مشکلاتی نظیر تخریب محیط‌زیست که نتیجه‌ی سبک زندگی غربی است بپردازند. تأکید بر آموزه‌هایی نظیر «تقدم انسان بودن» و «هماهنگی انسان و طبیعت» در اندیشه کنفوسیوس از جمله روش‌های مؤسسات فرهنگی چین برای نشان دادن برتری این اندیشه نسبت به اندیشه‌های فلسفی حاکم بر تمدن غرب است. با این وجود آن‌گونه که این مقاله نشان داد توسعه مدارس کنفوسیوسی به‌ویژه طی چند سال اخیر به‌هیچ‌عنوان مسیری هموار نبوده است و مقاومت‌های قابل توجهی در کشورهای غربی و از جمله آمریکا در قبال توسعه این مدارس و معکوس کردن روند رو به تصاعدی آن‌ها در حال تکوین است. بدین ترتیب از آنجایی که هنوز حجم و میزان قدرت نرم چین فاصله زیادی با رقبای غربی این کشور دارد به نظر می‌رسد مؤسسات کنفوسیوسی همچنان مسیر دشواری را برای تحقق اهداف پیش روی خود دارند. سرانجام به نظر می‌رسد نحوه و تجربه توسعه مؤسسات کنفوسیوسی می‌تواند برای ایران نیز واجد ملاحظات فرهنگی و امنیتی قابل توجه باشد که پردازش این مسئله مجال دیگری را می‌طلبد.

منابع

- ثروت، منصور، (۱۳۸۰). کشور وسط دنیا، تهران: نشر امیرکبیر.
- چوچای و وینبرگ چای، (۱۳۹۶)، *تاریخ فلسفه چین*، ترجمه علی پاشایی، تهران: نگاه معاصر.
- سازمند، بهاره، بایزیدی، رحیم، (۱۳۹۱)، «قدرت نرم و خیزش مسالمت‌آمیز چین در جنوب شرق آسیا» فصلنامه مطالعات سیاسی، ۴، (۱۶).
- فیتزجرالد، چارلز پاتریک، (۱۳۸۴)، *تاریخ فرهنگ چین*، اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی فرهنگی.
- کورنیش، ادوارد، (۱۳۹۴)، *آینده‌پژوهی پیشرفته*، ترجمه سیاوش ملکی‌فر، تهران: اندیشکده صنعت و فناوری.
- نریمانی، گلناز، اخوان کاظمی، مسعود، صادقی، سید شمس‌الدین، (۱۳۹۷)، «تحلیلی بر راهبردها و ابزارهای تحکیم و گسترش قدرت نرم چین»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۱، (۴۳).
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۱)، *نظریه برخورد تمدن‌ها و متقدم‌انش*، ترجمه مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- Angel, S. C. (2012). *Contemporary Confucian Political Philosophy*. Polity Press
- Bair, J. (2019). Observations on Confucius Institutes in the United States and. United States Government Accountability Office, 1–19
- Beeson, M., & Li, F. (2016). China's Place in Regional and Global Governance: A New World Comes Into View. *Global Policy*, 7(4), 491–499. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.1234>.
- Brooks, S., & Wohlforth, W. C. (2005). Hard Times for Soft Balancing. *International Security*, 30(1), 72–108. <https://doi.org/10.1162/0162288054894634>.
- Callahan, W. A. (2015). Identity and Security in China: The Negative Soft Power of the China Dream. *Politics*, 35(3–4), 216–229. <https://doi.org/10.1111/1467-9256.12088>.
- Changchun, L. (2007). Enhancing the promotion of Chinese language globally. Retrieved from http://news.xinhuanet.com/%0Apolitics/2007-04/24/content_6022792.htm [accessed 20 December 2009].%0A.
- Chi-Chao, L. (2017). *History of Chinese Political Thought*. *History of Chinese Political Thought*. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315823034>
- Ding, S., & Saunders, R. A. (2006). Talking up China: An analysis of China's rising cultural power and global promotion of the Chinese language. *East Asia*, 23(2), 3–33. <https://doi.org/10.1007/s12140-006-0021-2>
- Fung, Y.-L. (1997). *A Short History of Chinese Philosophy: Systematic Account of Chinese Thought from its Origins to the Present Day*. New York: Simon and Schuster.
- Glaser, B., & Murphy, M. (2009). Soft power with Chinese characteristics. Chinese Soft Power and Its Retrieved from http://csisdev.forumone.com/files/media/csis/pubs/090310_chinesesoftpower_chap2.pdf
- Gordon, T. (1994). Trend impact analysis. *Futures Research Methodology*, 1–21. Retrieved from <http://www.foresight.pl/assets/downloads/publications/Gordon1994-Trendimpact.pdf>.
- Guo, X. (2008). Repackaging Confucius: PRC public diplomacy and the rise of soft power.

- Institute for Security and Development Policy*, 1–52.
- Hanban Institutes. (2014). Constitution and By-Laws of the Confucius Institutes. Retrieved from http://english.hanban.org/node_7880.htm.
- Hanban Institutes. (2009). Confucius Institute at University of Tehran. Retrieved from http://english.hanban.org/node_10680.htm.
- Hartig, F. (2012). Confucius Institutes and the Rise of China. *Journal of Chinese Political Science*, 17(1), 53–76. <https://doi.org/10.1007/s11366-011-9178-7>.
- Hartig, F. (2015). Chinese public diplomacy: The rise of the Confucius Institute. *Chinese Public Diplomacy: The Rise of the Confucius Institute*. <https://doi.org/10.4324/9781315750088>.
- He, K., & Feng, H. (2008). If not soft balancing, then what? Reconsidering soft balancing and U.S. policy toward China. *Security Studies*, 17(2), 363–395. <https://doi.org/10.1080/09636410802098776>.
- Hopfe, L. M., & Woodward, M. R. (2009). *Religions of the World*. Pearson Education
- Hughes, C. R. (2014). Confucius Institutes and the University: Distinguishing the Political Mission from the Cultural. *Issues & Studies*, 50(4), 45–83. Retrieved from <http://eprints.lse.ac.uk/60790/>.
- Jintao, H. (2003). Hu's speech. The Sydney Morning Herald. Retrieved from <https://www.smh.com.au/national/full-text-hus-speech-20031024-gdhnfs.html>.
- Jun, L. S. (2005). Report On International Strategy. Beijing: China Social Science Press.
- Koller, J. M. (1985). Oriental philosophies. New York: Rensselaer Polytechnic Institute
- Kurth, J. (1994). The real clash, *National Interest*, 37, 3–15.
- Lai, H., & Lu, Y. (2012). China's soft power and international relations. *China's Soft Power and International Relations*. <https://doi.org/10.4324/9780203122099>.
- Lanteigne, M. (2012). Water dragon? China, power shifts and soft balancing in the South Pacific. *Political Science*, 64(1), 21–38. <https://doi.org/10.1177/0032318712447732>.
- Lee, D. (2019). Senate inquiry finds problems with China-funded Confucius Institute at U.S. campuses. Los Angeles Times: 27-12-2019. Retrieved from <https://www.latimes.com/business/la-na-pol-senate-china-confucius-institute-campus-20190227-story.html>.
- Li, M. (2009). Soft Power: China's Emerging Strategy in International Politics. Lexington Books. <https://doi.org/10.1007/s11366-011-9185-8>.
- Lieber, K. A., & Alexander, G. (2005). Waiting for Balancing: Why the World Is Not Pushing Back. *International Security*, 30(1), 109–139.
- Lien, D., Yao, F., & Zhang, F. (2017). Confucius Institute's effects on international travel to China: do cultural difference or institutional quality matter? *Applied Economics*. <https://doi.org/10.1080/00036846.2016.1265078>.
- Liu, G.-Q. (2016). The Confucius Institute Initiative in Reconstruction of China's National Identity. *Journal of Language and Politics*, 14(6), 778–800. <https://doi.org/10.1075/jlp.14.6.03liu>.
- Liu, X. (2017). An Alternative Framework of Analysis to Investigate China's Confucius Institutes: A Great Leap Outward with Chinese Characteristics? Central Lancashire.
- Lueck, T. L., Pippas, V. S., & Lin, Y. (2014). China's Soft Power: A New York Times Introduction of the Confucius Institute. *Howard Journal of Communications*. <https://doi.org/10.1080/10646175.2014.925311>.

- McDougall, D. (2012). Responses to “rising China” in the East Asian region: Soft balancing with accommodation. *Journal of Contemporary China*, 21(73), 1–17. <https://doi.org/10.1080/10670564.2012.627662>.
- Nordin, A. H. M. (2016). China’s International Relations and Harmonious World. China’s International Relations and Harmonious World. <https://doi.org/10.4324/9781315671406>.
- Pan, S. Y. (2013). Confucius Institute project: China’s cultural diplomacy and soft power projection. *Asian Education and Development Studies*, 2(1), 22–33. <https://doi.org/10.1108/20463161311297608>.
- Pape, R. A. (2005). Soft Balancing against the United States. *International Security*, 30(1), 7–45.
- Paradise, J. F. (2009). China and International Harmony: The Role of Confucius Institutes in Bolstering Beijing’s Soft Power. *Asian Survey*, 49(4), 647–669. <https://doi.org/10.1525/as.2009.49.4.647>.
- Park, J. (2013). Cultural artefact, ideology export or soft power? Confucius Institute in Peru. *International Studies in Sociology of Education*, 23(1), 1–16. <https://doi.org/10.1080/09620214.2013.770205>.
- Paul, T. V. (2005). Soft Balancing in the Age of U.S. Primacy. *International Security*, 30(1), 46–71. <https://doi.org/10.1162/0162288054894652>.
- Peters, M., & Chunyan, Z. (2011). Confucius institutes propagate China and its culture. *Chinadaily*, 2011-09-25. Retrieved from http://www.chinadaily.com.cn/china/2011-09/25/content_13786875.htm.
- Peterson, Rachele (2020), “China is Rebranding Its Confucius Institutes”, Real Clear Education, Available Online at: https://www.realcleareducation.com/articles/2020/07/22/china_is_rebranding_its_confucius_institutes_110445.html.
- Peterson, R. (2017). Outsourced to China : Confucius Institutes and soft power in American higher education : a report by the National Association of Scholars. Retrieved from <http://eds.a.ebscohost.com/are.uab.cat/eds/detail/detail?vid=0&sid=ea2522f3-43b0-4795-8ee2-c714a624fa16%40sdc-v-sessmgr05&bdata=JnNpdGU9ZWRzLWxpdmU%3D#AN=ED580866&db=eric>.
- Pong, J., & Feng, E. (2017). Confucius Institutes: cultural asset or campus threat?, *Financial Times*: Retrieved from <https://ig.ft.com/confucius-institutes/>.
- Portman, R., Carper, C. T., & Member, R. (2018). China’S Impact on the U.S. Education System. Staff Report, United States Senate. Retrieved from <https://www.hsgac.senate.gov/imo/media/doc/PSI%20Report%20China%27s%20Impact%20on%20the%20US%20Education%20System.pdf>.
- Redden, E. (2019). Closing Confucius Institutes. *Inside Higher ED*. Retrieved from <https://www.insidehighered.com/news/2019/01/09/colleges-move-close-chinese-government-funded-confucius-institutes-amid-increasing>.
- Ren, Z. (2012). The Confucius institutes and China’s soft power. *East Asia Studies Group, Area Studies Center, IDE-JETRO, Japan*, 330 (1), 1-22.
- Rogers, B. (2019). How China’s overseas Confucius Institutes pose a powerful threat to academic freedom. *Hong Kong Free Press*. Retrieved from <https://hongkongfp.com/2019/05/05/chinas-overseas-confucius-institutes-pose-powerful-threat-academic-freedom/>.
- Rogers, B. (2019). Propaganda in the name of Confucius: China is using educational institutes in 154 countries to spread its influence and threaten academic freedom . *International.la-*

- croix: 22-06-2019. Retrieved from [https:// international.la-croix. com/ news/ propaganda-in-the-name-of-confucius/9956](https://international.la-croix.com/news/propaganda-in-the-name-of-confucius/9956).
- Sahlins, M. (2018). Confucius Institutes: Academic Malware and Cold Warfare, Inside Higher ED. Retrieved from [https:// www. insidehighered. com/ views/ 2018/ 07/ 26/confucius-institutes-function-propaganda-arms-chinese-government-opinion](https://www.insidehighered.com/views/2018/07/26/confucius-institutes-function-propaganda-arms-chinese-government-opinion).
- Shangwu, S., Huanxin, Z., & Yue, T. (2013). Hanban offers a wider choice. Retrieved from http://africa.chinadaily.com.cn/weekly/2013-09/13/content_16967993.htm.
- Stambach, A. (2015). Confucius institute programming in the United States: Language ideology, hegemony, and the making of Chinese culture in university classes. *Anthropology and Education Quarterly*, 46(1), 55–70. [https:// doi. org/1 0. 1111 /aeq. 12087](https://doi.org/10.1111/aeq.12087).
- Tan, J. C. (2016). Balancing Soft Power : Gaining Leverage with China through Confucius Institutes Working Paper Series. University of the Philippines, Diliman Balancing.
- Whitaker, B. E. (2010). Soft balancing among weak states? Evidence from Africa. *International Affairs*, 86(5), 1109–1127. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2346.2010.00931>.
- Winkler, J. R., & Nye, J. S. (2010). Soft Power: The Means to Success in World Politics. *International Journal*, 61(1), 268. <https://doi.org/10.2307/40204149>
- Wuthnow, J. (2008). The concept of soft power in China’s strategic discourse. *Issues and Studies*, 44(2), 1–28
- Yi, Z. (2003). an Introduction to Chinese Culture. Guangxi University Press.
- Zengerle, Patricia (2019), “senate panel wants Chinese-funded institutes to change or leave U.S”. Reuters, Available Online at: <https://www.reuters.com/article/us-china-education-usa-idUSKCN1QG33G>
- Zhang, W. (2010). China’s cultural future: From soft power to comprehensive national power. *International Journal of Cultural Policy*. [https:// doi. org/ 10. 1080/ 102866 30903134300](https://doi.org/10.1080/10286630903134300)
- Zhang, Y. (2001). System, empire and state in Chinese international relations. *Review of International Studies*, 27(5), 43–63. <https://doi.org/10.1017/s0260210501008026>
- Zhao, H., & Huang, J. (2010). China’s policy of Chinese as a foreign language and the use of overseas Confucius Institutes. *Educational Research for Policy and Practice*, 9(2), 127–142. <https://doi.org/10.1007/s10671-009-9078-1>

Confucianism and China's Foreign Policy Doctrine

Shahrooz Shariati^{1*}, Sayyede Sara Mousavi²

Received: 2021/11/01

Accepted: 2022/02/09

Abstract

The remarkable growth of Confucian institutes and schools around the world since 2004 has been a sign of the rise of the People's Republic of China. Chinese leaders in the 1980s, after realizing that Communism was no longer attractive for a powerful international presence, sought to redesign the Confucius as a way to achieve the aspirations of the Chinese people. Today, the word "Confucius" by the Chinese government, refers to cultural institutions that are aimed at promoting Chinese language and culture throughout the world. This paper attempts to examine the Chinese government's plans to promote Confucius schools by using a descriptive and analytical way and tries to answer the question of what role do Confucius schools play in promoting the hegemonic goals of Chinese leaders around the world? The paper, examining the performance of these institutions, shows that "Confucian institutions strive to develop Chinese culture and literature for establishing the basis of a Chinese-led soft power in the framework of the world order." The article also shows that the establishment of these institutions is a deliberate move by Beijing's leaders to develop cultural hegemony and expand China's power and influence in the world.

Keywords: China culture, Confucius, Confucian institutes, Soft power

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹Associate Professor, Department of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author) Shariati@modares.ac.ir

²Ph.D. student in Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran